



## نهج البلاغه تفسیر قرآن است / تأثیرپذیری کلام امیر(ع) از سبک آیات

نشست نقد و بررسی کتاب «ارتباط نهج البلاغه با قرآن» شامگاه ششم خردادماه برگزار و در آن ضمن تبیین فرایند شکل‌گیری و تدوین آن از سوی مؤلفان، نکات مثبت و برخی نقاط منفی آن از سوی ناقدان بیان شد.

نشست نقد و بررسی کتاب «ارتباط نهج البلاغه با قرآن» شامگاه ششم خردادماه برگزار و در آن ضمن تبیین فرایند شکل‌گیری و تدوین آن از سوی مؤلفان، نکات مثبت و برخی نقاط منفی آن از سوی ناقدان بیان شد.

### قرآن و نهج البلاغه

به گزارش ایکنای نشست نقد و بررسی کتاب ارتباط نهج البلاغه با قرآن با حضور مجید معارف، استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران، حامد شریعتی نیاسر، مدرس دانشگاه قرآن و حدیث، فاطمه سعیدی، پژوهشگر حدیث و نهج البلاغه همچنین سیدمحمد مهدی جعفری، استاد دانشگاه و پژوهشگر نهج البلاغه برگزار شد.

مجید معارف در این نشست نقد و بررسی، گفت: سابقه تألیف این کتاب به حدود ۲۰ سال قبل باز می‌گردد؛ بنده در دانشکده علوم حدیث سابق که به دانشگاه تبدیل شده است، تدریس و رفت و آمد داشتم، طی بیش از ده سال که تدریس داشتم چند درس مهم ارائه کردم و بیشتر این درس‌ها طی فرایندی به کتاب تبدیل شدند.

وی افزود: از جمله دروسی که به بنده پیشنهاد شد رابطه قرآن با نهج البلاغه بود؛ در آن زمان کتابی از سیدجواد مصطفوی که حاصل دو مقاله بود در حدود ۹۰ صفحه وجود داشت؛ چون این کتاب جوابگوی سرفصل‌های این درس نبود بنابراین خودم اقدام به نوشتن سرفصل‌ها و تدریس کردم که تبدیل به جزوه شد و در اختیار دانشجویان قرار گرفت و به منبع درسی این واحد تبدیل شد.

معارف تصریح کرد: در ادامه آقای شریعتی نیاسر که از شاگردانم بود، با پیشنهاد بنده قرار شد ایشان مطالب این جزوه را ویرایش، مستندسازی و توسعه تعمیق بدهند و به کتاب تبدیل شود؛ مثلاً اگر مثال‌هایی آورده بودم ولی کم بوده ایشان آن را بیشتر کند و یا اگر بحث از استعاره به میان آمد تعریف آن هم انجام شود. این کتاب بار اول از سوی انتشارات نهج البلاغه به تنهایی چاپ شد و با اینکه اغلاطی داشت به سرعت مورد استقبال قرار گرفت و مورد توجه قرار گرفت؛ با پیشنهاد بنده، چاپ نوبت‌های بعدی کتاب از سوی سازمان سمت و با توجه به دقت زیاد این انتشارات در اختیار این مجموعه قرار گرفت. بنده این کتاب را با همکاری آقای شریعتی نوشتم و حقوق مادی کتاب هم کاملاً با ایشان نصف شد. فرایند شکل‌گیری ساختاری و محتوایی کتاب

حامد شریعتی نیاسر هم در سخنانی در این نشست، گفت: ابتدا تلاشم این بود که این اثر که قبلاً به صورت جزوه بود از حالت محاوره خارج شود؛ لذا تغییرات عمده‌ای زیر نظر آقای دکتر معارف ایجاد و تغییرات ساختاری و محتوایی انجام شد.

وی افزود: نهج البلاغه توسط سیدرضی از سخنان امام علی گردآوری شده و چون امیرمؤمنان(ع) شاگرد مکتب قرآن و دست پرورده پیامبر(ص) هستند، پس قطعاً ساختار سخنان امام ارتباط زیادی با قرآن دارد؛ امام علی(ع) خودشان فرموده‌اند که پیامبر(ص) هماره مرا مورد تقصد و مهربانی قرار می‌داد؛ لقمه در دهانم می‌گذاشت و هر روز پرده‌ای از معارف عالی و متعالی را می‌آموخت و وقتی وحی بر ایشان نازل می‌شد، ندای وحی را می‌شنیدم و ضجه شیطان را می‌شنیدم و پیامبر هم فرمودند که ای علی هر آنچه را من می‌بینم تو می‌بینی و هر چه را من می‌شنوم تو می‌شنوی مگر اینکه تو پیامبر نیستی؛ این اشاره به منزلت والای امام دارد.

شریعتی نیاسر با بیان اینکه در بحث مبانی عام و خاص ارتباط قرآن و نهج البلاغه، چنین روایاتی مورد استناد و استفاده قرار گرفته است، اضافه کرد: بحث حدیث ثقلین به خاطر اهمیتی که در این زمینه دارد فصل جدایی را به خود اختصاص داده است، این حدیث متواتر لفظی در اهل تسنن و تشیع است و می‌توان از طریق آن پیوند قرآن و اهل بیت را اثبات کرد. در فصل سوم کتاب بحث علم اهل بیت(ع) مورد تحقیق قرار گرفته است.

### شریعتی نیاسر

شریعتی نیاسر بیان کرد: در ادامه در مورد جایگاه قرآن در نهج البلاغه بحث شده است؛ زیرا امام به اهمیت و جایگاه قرآن و اعجاز آن در نهج البلاغه اشاره کرده است و به دلیل رابطه تنگاتنگ این دو کتاب، ساختار مرتبطی دارند و نهج البلاغه گرچه معجزه

نیست، ولی از حد سخن افراد معمولی بالاتر است. نمونه‌هایی از کاربرد صنایع ادبی، علوم معانی بیان، ایجاز، اطلاق و ... در این کتاب از قرآن و نهج البلاغه ذکر شده است و سه فصل مستقل در خصوص مقایسه سبک ادبی قرآن و نهج البلاغه آمده است.

وی با بیان اینکه نهج البلاغه از حیث محتوا هم ارتباط زیادی با قرآن دارد و از این حیث می‌توان گفت که نهج البلاغه در حقیقت تفسیر قرآن کریم است، اظهار کرد: استشهاد مستقیم و غیر مستقیم امام علی(ع) در نهج البلاغه به قرآن، کاربرد آیات قرآن در نهج البلاغه ذکر شده است، حتی اصطلاح علوم قرآنی و مواردی مانند ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه که در کلام امام بیان شده مورد بحث قرار گرفته و مثال‌هایی از نهج البلاغه برای آن آورده ایم. در بخش‌های محتوایی هم معارف توحیدی و نبوت و امامت مطالبی بیان شده است.

انجمن مطالعات علمی نهج البلاغه ایران

در ادامه فاطمه سعیدی به عنوان ناقد، گفت: کتاب برای فضای دانشجویی و دانشگاهی در سطح ارشد تالیف شده است؛ این از محاسن کتاب است که جامعیت خوبی در پرداختن به موضوع ارتباط قرآن و نهج البلاغه دارد؛ ارجاعات قوی و دقیقی در این کتاب به صورت متنوع برای فهم بیشتر مخاطب آورده شده است و حتی مثال‌های قرآنی از جمله محاسن است؛ ارجاعات خیلی خوبی در پانویس‌ها برای فهم بیشتر موضوع آمده است.

سعیدی تصریح کرد: نکته مثبت دیگر کتاب این است که خیلی خوب موضوع مدنظر پرداخته شده است؛ مثلاً در بحث سبک ادبی نهج البلاغه این مسئله تبیین خوبی شده و گاهی شبهاتی را که برای نهج البلاغه مطرح است در ذیل موضوع در کتاب پاسخ داده شده است مانند آرایه سجع. مزیت دیگر کتاب اشاره به شروح نهج البلاغه است و دانشجویان با این شروح آشنا می‌شوند. همچنین منابع دست اول و مفید و متنوع و حجم مناسب کتاب از دیگر محاسن آن است.

## قرآن و نهج البلاغه

وی با اشاره به برخی نقدها اضافه کرد: خوب بود در انتهای چکیده کتاب پژوهش و پرسشی در انتهای هر فصل آورده می‌شد تا تسلط علمی دانشجو را ارتقا می‌داد. همچنین کتاب ۱۴ فصل است، وقتی بنده از دید یک منتقد به آن می‌نگرم خیلی از مطالب این ۱۴ فصل همپوشانی دارد که می‌تواند کمتر شود و مطالب طبقه بندی شده تری عرضه شود؛ مثلاً ارتباط قرآن و اهل بیت در ذیل فصل معیت قرآن و اهل بیت(ع) قابل گنجایش بود. همچنین می‌شد فصل سوم که علم اهل بیت(ع) است در ذیل مقام امامت گنجانده می‌شد.

این منتقد تصریح کرد: فصل ۵، ۶ و ۸ سبک ادبی نهج البلاغه با قرآن بررسی شده است و باید یکدست سازی تقویت شود؛ اگر در همه فصول عنوان فرعی هست باید بیاید و یکدست شود؛ یا در فصل هشتم که بحث جناس مطرح است می‌شد در بحث سجع آورده شود تا ذهن دانشجو طبقه بندی شود. محتوایی که در مبنای ارتباط دو کتاب آمده است در واقع وجوه اشتراک این دو را بیان کرده و اینکه مؤلفان چه معنایی از مبنای داشته‌اند. همچنین جا داشت در کنار مبحث توحید و نبوت بحث معاد هم که آیات زیادی در قرآن در مورد آن است، بیان شود. ضمن اینکه مثال‌های بهتری برای بحث توره وجود دارد.

وی اضافه کرد: در معنای حکمت ۸۱ ذکر شده که اگر ترجمه غیر از شهیدی بوده نام مترجم را آورده ایم ولی با رجوع بنده این ترجمه از آقای شهیدی نبود؛ همچنین ارجاعات کتاب در صفحه ۱۰ و ۳۱ یک دست نیست و به زبان عربی نیامده است.

وی از افتتاح انجمن مطالعات علمی نهج البلاغه ایران خبر داد و افزود: از این فرصت استفاده کرده و راه اندازی این مجموعه را اعلام می‌کنم و بنا براین است که تألیفات ما در فضای دانشگاهی روز به روز بهتر خواهد شد.  
کار کارستان

سیدمحمد مهدی جعفری هم از دیگر ناقدان این نشست، گفت: تالیف این کتاب کاری کارستان و بسیار با ارزش است و جا دارد که علاوه بر تدریس در کارشناسی ارشد برای سایر محققان هم مورد بهره‌ر قرار بگیرد. از امتیازات این کتاب توضیحات پاورقی و مستندسازی مطالب به قرآن و روایات و نهج البلاغه و فصل بندی‌های خوبی هم شده است.

ارسال/

جعفری تصریح کرد: در صفحه ۱۴ آنجا که نقل شده هیچ آیه قرآن نیست که می‌دانم چه زمانی و در کجا نازل شده است؛ منبع آن ذکر نشده است؛ همچنین ارتباط مبنای عام و خاص و استناد به حدیث ثقلین کاملاً درست است، ولی در بحث علم اهل بیت(ع) مطالب مفصل آمده که مختصر شود بهتر است. در فصل پنجم که مقایسه سبک ادبی قرآن و نهج البلاغه است؛ معتقدم

اصطلاح درستی نیست زیرا قرآن سبک پذیر نیست و اصلاً سبک قرآن و نهج البلاغه قابل مقایسه نیست؛ زیرا کلام فوق بشری است. مثلاً اگر بگوییم تاثیرپذیری نهج البلاغه از ادبیات قرآن بهتر است و نباید این دو را کنار هم قرار دهیم.

وی افزود: در برخی موارد اشکالات محتوایی هم وجود دارد؛ مثلاً خذلان را بسیاری از مترجمان به نادرستی معنا کرده و آن را به معنای خواری و زبونی گرفته اند در صورتی که به معنای دست برداشتن از یاری یاران است. فصل ششم و هفتم و هشتم هم که مقایسه سبک ادبی دو کتاب است تصور بنده این است که فصل مفصلی است و باید خلاصه بیان شود.

جعفری تصریح کرد: زبان نهج البلاغه زبان خاصی دارد که تحت تأثیر قرآن و آموزه های پیامبر(ص) هر کلمه در جای خود به کار رفته به گونه ای که نمی توان کلمه مرادفی برای آن به کار برد؛ همچنین اشاره امام علی(ع) به قصص قرآنی، در زمره مباحث علوم قرآنی نیست و جزء عبرت گیری از قرآن است. یا آیه نسخ ربطی به ناسخ و منسوخ از جنس علوم قرآن ندارد، بلکه نسخ شریعت با شریعت همانند نسخ طبیعت با طبیعت است که فرموده یهودیان می گویند یهود دین همیشگی و برگزیده خداوند است، ولی قرآن این تفکر را زیر سؤال برده است؛ علامه طباطبایی هم فرموده که آیه منسوخ نمی شود بلکه حکم آیه موقتاً تعطیل می شود؛ شرایطی در جامعه وجود داشته و متناسب با آن حکمی ذکر شده و اگر آن شرایط برگردد حکم به جای خود باز خواهد گشت؛ آیت الله خویی و معرفت هم نسخ را رد کرده اند.

معارف هم در سخنان مجدد اضافه کرد: مصر بودیم تا فصول کتاب با توجه به ساختار ترمی دانشگاه، ۱۴ عدد باشد تا در ۱۶ جلسه یک ترم بحث به خوبی پیش برود و شاید اگر قصد تالیف کتاب درسی نداشتیم ساختار تغییر می یافت؛ لذا درسی شدن و ۱۴ فصل شدن کتاب و جورکردن مطالب باعث این وضعیت شده است؛ در مباحث علوم بلاغی قبول دارم گاهی مثال ها زیاد است، ولی ما فقط در ۴ فصل به سبک ادبی پرداخته ایم که نسبت به ۱۴ فصل زیاد نیست.

وی افزود: بنده به دانشجویان توصیه می کنم مفهوم را فرابگیرند و مثال ها را بخوانند، ولی در آزمون اگر یک مثال هم بیاورند مورد قبول است؛ نقدهای خانم سعیدی نوعاً نقدهای خوب و واردی است؛ در خصوص مبانی قرآن و نهج البلاغه قصد داشتیم از پرورش قرآنی امیرالمؤمنین در نزد رسول خدا(ص) رونمایی دقیقی داشته باشیم و از اینجا به ارتباط عمیق کلام امام و قرآن پی ببریم.

معارف اظهار کرد: در بحث توریه در صفحه ۱۸۰ جمله ای از امام علی خطاب به اشعث آوردیم که فرمودند: «مَا يُدْرِيكَ مَا عَلَيَّ مِمَّا لِي، عَلَيَّ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ التَّائِبِينَ، حَائِكُ ابْنِ حَائِكٍ، مُتَأَفِّقُ ابْنِ كَافِرٍ؛ وَ اللَّهُ لَقَدْ أَسْرَكَ الْكُفْرَ مَرَّةً وَ الْإِسْلَامَ»؛ ما با قرینه روایات، حائک را به بافنده دروغ تا شخص متکبر ترجیح داده ایم مورد نقد سرکار خانم بود و به نظرم ترجمه ما دقیقتر است.